

آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر)

حسین افراسیابی^{۱*}، ساناز جهانگیری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت آسیب‌های تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار شاهین شهر در رویکرد کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. به این منظور، با ۳۵ نفر از زنان سرپرست خانوار مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق انجام شد که برای گزینش آن‌ها روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری به کار گرفته شد. داده‌های حاصل از مصاحبه با روش کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شد. در کدگذاری باز، ۴۹ مفهوم و در کدگذاری محوری ۸ مقوله به دست آمد. مقوله «حریم ناامن» به‌منزله پدیده اصلی ظهور یافت. یافته‌های تحقیق نشان داد زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربه حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد. کنش آنان در مقابل آسیب‌ها به صورت سازگاری ناپه‌نچار رخ می‌دهد و از پیامدهای آن‌ها می‌توان به فرزندان آسیب‌دیده اشاره کرد. در نهایت، مدل نظری «مرزهای ناامن‌ساز» مفهوم محوری حاصل از این پژوهش است.

کلیدواژگان

آسیب، تعاملات اجتماعی، زنان، سرپرست خانوار، نظریه زمینه‌ای.

hafrasiabi@yazd.ac.ir
sanaz.jahangiri@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد
۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۳

مقدمه و بیان مسئله

زنان سرپرست خانوار زانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانواده را برعهده دارند و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی برعهده آن‌هاست [۱۴، ص ۳۸]. زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، زنان خودسرپرست، همسران مردان از کارافتاده و معلول‌اند [۶، ص ۱۶۷]. امروزه، پدیده خانوارهای زن‌سرپرست به دلایل گوناگون در دنیا رو به افزایش است. بیشتر این خانواده‌ها مشکلات فراوانی دارند؛ به گونه‌ای که این گروه از زنان به صورت مسئله‌ای اجتماعی مطرح می‌شوند [۱۲، ص ۳۰]. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای زن‌سرپرست بیش از ۲ میلیون و ۵۶۳ هزار خانوار است. در واقع، میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲/۱ درصد بوده است که رشد درخور ملاحظه‌ای نسبت به سایر دوره‌های سرشماری داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). همین رقم ساده، گویای این مطلب است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار مسئله زنان سرپرست خانوار گذشت. مقوله زنان سرپرست خانوار به‌منزله یک نقطه کانونی است که هم از دیگر آسیب‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌پذیرد و هم آنکه خود می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کننده دیگر آسیب‌ها باشد [۸، ص ۳۶]. متأسفانه، در جامعه ما زندگی زنان پس از ترک شوهر اغلب با ابهام‌ها و مخاطره‌هایی روبه‌روست. از جمله سرپرستی فرزندان به‌تنهایی و گاه به‌سختی، مشکل اقتصادی زندگی، تنهایی و افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه به زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکل‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند [۱۲، ص ۳۰].

اگرچه فشار اقتصاد روی زنان سرپرست خانوار زیاد است، این تنها مشکلی نیست که آنان را تهدید می‌کند. در جوامعی مانند جامعه ما، که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را مدیون مردان خانواده است، زنان سرپرست خانوار که پشتیبانی مستقیم مردی را ندارند، با مشکلات عدیده اجتماعی مواجه می‌شوند. این مسئله در ابعاد متفاوتی نمود می‌یابد که از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط مناسب شروع و بعضاً به کام‌جویی‌های جنسی ختم می‌شود [۱۳، ص ۲۳۹]. این بُعدی از مشکلات زنان سرپرست خانوار است که احتمالاً غیر از نزد هم‌جنسان خود، قادر به بیان آن نیستند و لذا تاکنون در کارهای پیمایشی مورد مطالعه قرار نگرفته و اساساً به نظر نمی‌رسد که استفاده از پیمایش راه مناسبی برای درک این بعد از مسائل زنان بی‌سرپرست باشد [۱۵، ص ۱۵۰]. با وجود اهمیت انکارناپذیری که پیمایش و کارهای آماری می‌تواند داشته باشد، به نظر می‌رسد که تاکنون -لااقل در کشور ما- کمتر از زاویه‌ای نزدیک به این زنان و مسائلمان پرداخته شده است و در اغلب موارد نیز محققان از فاصله‌ای زیاد به مسئله زنان سرپرست خانوار نگریده‌اند. بنابراین، پژوهش‌های کیفی می‌تواند به

روشن شدن بخش‌هایی از زوایای پنهان زندگی این زنان پیردازد. در اینجا این پرسش برای محقق مطرح می‌شود که اگر این قشر آسیب‌پذیر، خود می‌توانست به روایت زندگی‌اش بپردازد، بر کدام نکته‌ها تأکید بیشتری می‌کرد و کدام‌یک از مسائل و مشکلات خود را برجسته‌تر نشان می‌داد؟ در نتیجه، هدف ما در این پژوهش مطالعه آسیب‌های زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی، فهم نحوه مواجهه زنان سرپرست خانوار با این آسیب‌ها، مطالعه زمینه‌های اجتماعی آسیب‌های زنان سرپرست خانوار و فهم پیامدهای حاصل از آسیب‌ها از زاویه‌ای نزدیک‌تر، یعنی نگاه خودشان و به زبان خودشان، است.

تحقیقات پیشین

اغلب پژوهش‌ها در ارتباط با زنان سرپرست خانوار، مشکلات اقتصادی، فقر مالی و سلامت روانی زنان سرپرست خانوار را مطالعه کرده‌اند. همچنین تعداد تحقیقات کیفی در این زمینه بسیار محدود است. نجارنهادندی و آجرلو [۱۸] در مطالعه‌ای کیفی به آسیب‌شناسی وضعیت زنان دست‌فروش مترو، که سرپرست خانوارند، از زبان خود آنان پرداختند. میرفردی و عطایی [۱۶] در پژوهشی مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست را وجود باورهای سنتی در مورد نقش و کارکرد زنان در جامعه، ضعف نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای نوین برای مشارکت زنان در جامعه، پایین بودن میزان اعتماد، به‌ویژه در جنبه‌های اخلاقی و رفتاری برای مشارکت زنان سرپرست خانوار در محیط بیرون از خانه و وجود زمینه‌های پدرسالارانه، به‌ویژه در جنبه‌های نظارتی و کنترلی در محیط خانواده، دریافتند. نازک‌تبار و ویسی [۱۷] در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که فقدان نگرش مثبت برای ازدواج مجدد در میان زنان سرپرست خانوار، ناامن بودن جامعه و رشد روزافزون نگرانی‌ها و مشکلات خاص زنان سرپرست خانوار، فقدان پشتیبانی مالی، عاطفی و روحی برای تداوم زندگی و در نتیجه پدیدآمدن انواع بیماری‌های افسردگی برای این گروه از زنان، مشکل دسترسی به شغل مناسب با توجه به نداشتن مهارت و مشکلات ارتباطات خاص اجتماعی، نداشتن مهارت در تربیت فرزندان و بروز کاستی‌هایی در تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان، ناتوانی در حمایت از فرزندان، کاهش ارتباط درست و مداوم با آنان، فقدان سازوکارهای لازم و مناسب حمایتی پایدار از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مشکلات زنان سرپرست خانوارند. معیدفر و حمیدی [۱۵] در پژوهشی به مشکلات زنان سرپرست خانوار از زبان خود آن‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که زنان سرپرست خانوار، به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر، با مسائلی از قبیل ناامنی بدن و مخدوش شدن روابط اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات عاطفی، مشکلاتی با خانواده و فرزندان و بسیاری دیگر از محدودیت‌ها روبه‌رو هستند که دامنه آن‌ها به فرزندان و خانواده نیز آسیب می‌رساند. سهرابی [۹] در پایان‌نامه خود نشان می‌دهد که فقدان همسر به انزوای

خانواده منجر می‌شود و زنان سرپرست خانوار به باقی‌ماندن ارتباط مستمر با دیگران و دوستی پایدار امید کمتری دارند و بقای ارتباطی در بین آنان ضعیف‌تر از زنان دارای همسر است. میزان امنیت ارتباطی در زنان سرپرست خانوار سطح ضعیف‌تری دارد و احساس ناامنی و نگرانی در ارتباط با دیگران در میان آنان بیشتر وجود دارد و ارتباطات طبیعی در روابط آنان کمتر دیده می‌شود.

هرناندز، آراندا و رامیرز [۲۱] در پژوهشی دریافتند زنان سرپرست خانوار بدون همسر نسبت به زنانی که همسر دارند کیفیت زندگی پایین، درآمد کمتر و افسردگی بیشتری دارند. اوسی هدای [۲۲] در پژوهش زنان سرپرست خانوار افریقای جنوبی نتیجه‌گیری می‌کند که زنان سرپرست خانوار مسئولیت سنگین مدیریت خانواده و نگهداری از اعضای خانواده را برعهده دارند. فقر زنان سرپرست خانوار ناشی از عدم دسترسی آن‌ها به دارایی‌های مولد و فرصت‌های شغلی سودآور است و دولت‌ها باید به ترویج برابری جنسیتی، توانمندی اقتصادی زنان و مشارکت آن‌ها در توسعه سازمان‌های زنان و فشار بر دیگر دولت‌ها به منظور تدوین و اجرای سیاست‌های جنسیتی درخصوص زنان سرپرست خانوار به‌منزله هدف اصلی بپردازند. مریک و همکارش [۲۳] در تحلیلی مقایسه‌ای از درآمد سرپرست خانوار به‌منزله هدف اصلی بپردازند. مریک و کاری شغلی پایین روی زن‌ها باز است تا شغل‌های مهم انسانی، که این امر اختلاف عمده بین درآمد زنان و مردان را باعث می‌شود. حدود ۵۳ درصد از زنان سرپرست خانواره در بخش‌های خصوصی مشغول به کار بودند و شغل‌های کم‌درآمد داشتند؛ درحالی‌که این رقم در مردان فقط ۱۳ درصد بود. همین نتیجه در جزایر کارائیب امریکای لاتین نیز دیده شد.

مبانی نظری

در روش کیفی و نظریه زمینه‌ای، تحقیق را از یک نظریه شروع نمی‌کنند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط بدان است، خود را نشان دهد [۱، ص ۲۲]. این پژوهش نیز، که در رویکرد کیفی انجام شده، برای ایجاد حساسیت نظری- مفهومی برای کمک به باز بودن ذهن محقق به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش، به مرور نظریه‌های حوزه زنان پرداخته است. نظریه زنانه‌شدن فقر نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که سرپرستی آنان برعهده زنان است، نه‌تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه به درصد خانوارهای زن سرپرست، که در جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند، افزوده شده است. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند، دیده شده است. در این کشورها، به‌رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرایند فقیرشدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرفی، مشکلات این زنان دسترسی‌نداشتن به مشاغل با منزلت اجتماعی بالاست. این زنان یا بیکارند یا مشاغل نیمه‌وقت کم‌درآمد دارند. اگر مشاغل منزلت بالا داشته

باشد، مسئله تنظیم وقت برای انجام دادن کارهای خانه و کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب‌نظران، فقر زمانی نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود، آسیب‌پذیری این قشر را دوچندان می‌کند [۱۲، ص ۳۱].

زنان سرپرست خانوار مشکلات متعددی دارند، ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به بیان دیگر، نمی‌توان این‌گونه زنان را قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان، راه‌های مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. دلایل فقر در بیشتر خانواده‌های زن‌سرپرست را نمی‌توان فقط به عوامل ساختاری یا تفاوت‌های جنسیتی نسبت داد، بلکه ترکیبی از عوامل یادشده در این مسئله دخالت دارند [۳، ص ۱۵]. میلر^۱ معتقد است در خانواده‌های تک‌سرپرست حمایت دریافت‌شده از سوی دوستان و خانواده اثری مستقیم بر کیفیت زندگی خواهد داشت. براساس تعریف کب [۱۹، ص ۳۰۴]، حمایت اجتماعی، محبت، توجه و مساعدتی است که فرد از جانب اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد دریافت می‌کند. حمایت اجتماعی به‌منزله سپری در برابر رویدادهای استرس‌زا عمل می‌کند و اثری مثبت بر کیفیت زندگی برجای خواهد گذاشت [۲۰، ص ۱۳۲]. طرفداران نظریه طرد بیان می‌کنند که طرد اجتماعی فرایندی است که در نتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی معین، مانند زنان سرپرست خانوار، از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند؛ بنابراین به‌سختی می‌توانند فرصت‌هایی برای بهبود شرایط خود پیدا کنند [۲، ص ۱۳۶ و ۴۳۵].

رویکرد توانمندسازی زنان را صرفاً آسیب‌پذیر، فقیر و نیازمند حمایت نمی‌بیند، بلکه با هدف کسب آگاهی و درک رابطه جنسیت و قدرت، تأکید بر احساس «بازرش بودن» و به دست آوردن توانایی برای استفاده از حق انتخاب، کنترل زنان بر زندگی را امکان‌پذیر می‌کند. کسب مهارت برای سازماندهی و تحت‌تأثیر قرار دادن تغییرات اجتماعی و برقراری نظامی عادلانه اجتماعی و اقتصادی، از اجزای اصلی فرایند توانمندسازی است [۱۱، ص ۷].

روش پژوهش

دستیابی به معنا و تفسیر ذهنی زنان سرپرست خانوار از آسیب‌های تعاملات اجتماعی با استفاده از رویکرد کیفی امکان‌پذیر است. همچنین نظریه زمینه‌ای^۲ به‌منزله راهبرد اجرای این پژوهش استفاده شد. جامعه مطالعه‌شده این پژوهش، زنان سرپرست خانوار شهرستان شاهین‌شهر بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها با ۳۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، که از نقاط مختلف این شهر انتخاب شده و از نظر سن، تحصیلات، اشتغال و علت سرپرستی متفاوت بودند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق انجام شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و حجم نمونه

1. Miller N.
2. grounded theory

براساس اشباع نظری سؤالات پژوهش تعیین شد. در ابتدا، از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی به پنج تن از زنان سرپرست خانوار شاهین‌شهر دسترسی پیدا کردیم و مصاحبه‌های عمیق بدون طرح سؤال با آن‌ها انجام دادیم. سپس، با معرفی سازمان بهزیستی و اورژانس اجتماعی این شهر به تعدادی از کلینیک‌های مددکاری اجتماعی در نقاط مختلف شهر دسترسی پیدا کردیم که رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار تحت پوشش را برعهده دارند. با بررسی پرونده‌های آنان، نمونه‌هایی با حداکثر تنوع و براساس هدف پژوهش انتخاب و مصاحبه‌ها انجام شد. در ابتدا، درباره هدف انجام مصاحبه، روند کار و رعایت اصول اخلاقی به مشارکت‌کنندگان توضیحاتی داده می‌شد و همچنین ضبط مصاحبه‌ها با رضایت کامل آنان انجام شد. بلافاصله پس از اتمام مصاحبه، نسخه‌نویسی از آن انجام می‌گرفت تا در تحلیل داده‌ها استفاده شود. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای برمبنای کدگذاری نظری است. در این نوع کدگذاری، که خاص داده‌های متنی و کیفی است، سه شیوه کدگذاری مطرح است: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی یا گزینشی^۳. کدگذاری فرایندی است تحلیلی که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی و یک‌پارچه می‌شوند؛ به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند. در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه سطر به سطر مفهوم‌بندی شد. در مرحله کدگذاری محوری، این مفاهیم کنار یکدیگر گذاشته شد و براساس هم‌پوشانی معنایی به صورت مقولات محوری درآمد و در نهایت مقولات عمده در مقوله‌های جدید به نام مقوله هسته‌ای^۴ در سطحی انتزاعی‌تر از دو مرحله پیشین حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، ۴۹ مفهوم اولیه در مرحله کدگذاری باز تعیین شد که در مرحله کدگذاری محوری ۸ مقوله استخراج شد و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله هسته به دست آمد.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

عزت سرپرستی	سطح تحصیلات	وضعیت اشتغال	تعداد فرزندان
طلاق	بی‌سواد	بیکار	۴ بدون
فوت همسر	سیکل	خانه‌دار	۴ فرزند
ازکارافتادگی همسر	دیپلم	مشاغل خانگی	۹ ۱
همسر متواری	فوق دیپلم	کارهای خدماتی	۱۶ ۲
بدون همسر	لیسانس	فروشنده‌گی	۶ ۳

1. open coding
2. axial coding
3. selective coding
4. core category

جدول ۲. مقوله‌های استخراج‌شده

مفاهیم	مقوله‌ها
انگ‌زنی به زنان سرپرست، طرد زنان سرپرست، بدبینی درباره زنان سرپرست، دخالت در زندگی زنان سرپرست، طمع‌ورزی جنسی	کلیشه منفی
پیشنهاد رابطه، تشویق به رابطه، مزاحمت، طمع جنسی	طمع‌ورزی جنسی
کنش خشن، کنش منفعلانه، وابستگی به دیگران، پنهان‌کاری، پذیرش ناپه‌نچار	سازگاری ناپه‌نچار
مردستیزی، ترس از تکرار شکست، وجود فرزند، احساس ناتوانی، جهت‌گیری مالی	نگرش منع‌کننده
هزینه‌های تحصیل، نیازهای اولیه زندگی، توسل به دیگران، مشکلات مالی، توقع کمک	فقر مالی
جذب در مشاغل سطح پایین، شرایط نامناسب کار، نبود سرمایه شروع کار، ناتوانی برای کار کردن	محدودیت‌های شغلی
بزهکاری فرزندان، سرگردانی فرزندان، ترک تحصیل فرزندان، فرزندان دورشده از والدین، فرزندان محروم از فرصت‌ها، فرزندان ناراضی از شرایط خود	فرزندان آسیب‌دیده
حمایت مالی خانواده، پشتیبانی خانواده، کمک‌هزینه دولت، حمایت‌های مردم	حمایت‌جویی

مفاهیم و مقولات جدول ۲ منعکس‌کننده آسیب‌های تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار ساکن شاهین‌شهر با تأکید بر تفاسیر و اظهارات خود آن‌هاست. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، این مفاهیم بیان‌کننده تجربه آسیب در تعاملات اجتماعی است که در اظهارات خود بیان کرده‌اند. مقوله هسته‌ای حاصل از بررسی مفاهیم و مقولات در این مقاله حریم ناامن است. حریم ناامن، همانند سایر ابعاد بررسی‌شده، متأثر از یک‌سری شرایط و بسترهاست. در این پژوهش، طمع‌ورزی جنسی به زنان سرپرست خانوار، کلیشه منفی به آنان، فقر مالی و نبود حمایت‌های اجتماعی مناسب از این قشر از شرایط پدیدآورنده حریم ناامن برای زندگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار است. در ادامه، براساس مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای، که نسبت مقوله‌ها را به پدیده اصلی در غالب شرایط علی، زمینه‌ای، راهبردی کنش و پیامدها تعریف می‌کند، مقوله‌ها براساس دریافت محقق و اظهارات مشارکت‌کنندگان و جایگاه در مدل پارادایمی دسته‌بندی شده‌اند.

شرایط علی

۱. محدودیت‌های شغلی

زنان سرپرست به علت شرایط نامناسب در محیط کار، گاهی مجبور به کنار گذاشتن شغل می‌شوند و عمدتاً چاره‌ای جزء جذب در مشاغل با دست‌مزد پایین ندارند. اصولاً سهم بسیاری از زنان سرپرست خانوار از بازار کار، اشتغال در کارهای سطح پایین خدماتی و مشاغل خانگی است که درآمدی پایین و شرایط نامطلوب برای کار دارند. هما ۳۸ ساله و بیکار می‌گوید:

تو خونه‌هایی که می‌ریم برای کار خیلی بده چون ممکنه هر مشکلی پیش بیاد. رفته بودم برای نگهداری از سالمند نزدیک به یه سال از یه خانم پیرزن نگهداری کردم، مثل دسته گل. آخرش نمی‌دونم از چی خوشش نیومد. زدم بیرون، ولی حقوق ماه آخر من رو هنوز هم نداده. تازه بدترین قسمتش اینه که بعد از اینکه یکی شون رو ول کردی و خواستی دنبال مورد دیگه بگردی، کلی زمان طول می‌کشه و تو این مدت باید بی پول و بیکار باشی که خیلی سخته.

درآمد پایین، نبود بیمه و ساعت کاری زیاد بخشی از مشکلاتی است که زنان سرپرست خانوار با آن روبه‌رو هستند که به تداوم فقر مالی آنان منجر شده است. فریبا ۳۵ ساله و آرایشگر می‌گوید:

شیلات میگو کاری بود که زن‌های بی‌سواد می‌رفتند. من رو باید می‌داشتند تو قسمت بسته‌بندی و لیست‌نویسی باشم، ولی چون اونجاها پر شده بود و من هم واقعاً بهش نیاز داشتم، گذاشتم توی این قسمت. به خدا کاری بود که وقتی برمی‌گشتی خونه باید با لباس‌های می‌رفتی زیر دوش. شب‌ها تا صبح سر کار بودم، بعدش می‌اومدم می‌خوابیدم و بعدش به کارهای خونه‌م و بچه‌م می‌رسیدم و باز دوباره آماده می‌شدم برم سر کار.

۲. فقر مالی

از صحبت‌های زنان سرپرست خانوار می‌توان فهمید که مهم‌ترین دغدغه آن‌ها معیشت و تأمین مالی است. اغلب زنان سرپرست خانوار مشارکت‌کننده در این مطالعه در تأمین نیازهای اولیه زندگی همچون خوراک، پوشاک و مسکن تا هزینه‌های تحصیل برای خود یا فرزندان‌شان با مشکل مواجه‌اند.

زیبا ۵۰ ساله و فروشنده دوره‌گرد می‌گوید:

بعد از اینکه شوهرم ما را گذاشت و رفت، من موندم و دو تا بچه و یه خونه اجاره‌ای. تا یه مدت اجاره‌خونه رو یه‌جوری جور می‌کردم. بعد از اون، دیگه اجاره‌خونه رو ندادم و از پول پیش خونه‌مون کم می‌شد. اون قدر طول کشید و شوهرم نیومد که پول پیش خونه هم تموم شد و صاحب‌خونه گفت بلند شین. ما هم اسباب و اثاثیه رو از خونه آوردیم بیرون و چیدیم توی کوچه. جایی رو نداشتیم بریم و توی این شهر هم غریب بودیم. یه روز گوشه کوچی بین وسایلمون زندگی کردیم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم توی زندگی‌م به یه همچین جایی هم برسم. بعد از یه روز، نمی‌دونم از کجا یه بنده‌خدایی پیدا شد و گفت من خیرم و پول پیش خونه‌تون رو می‌دم. خلاصه برای ما یه خونه اجاره کرد و ما هم رفتیم توش، الان هم فقط می‌رسونم اجاره رو جور کنم و یه غذایی بیارم سر سفره، ولی باز هم شکر.

بسیاری از این زنان با مشکلات مشابه مواجه شده و برای رفع آن به دیگران توسل جسته‌اند و از آنان کمک می‌خواهند. البته همه آنان آن قدر خوش‌شانس نیستند که مورد لطف دیگران قرار گیرند.

فروزان ۳۴ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

ما با پول یارانه و بهزیستی سر می‌کنیم، ولی آخرش هم کم می‌آریم. برای بچه‌ها و خودم از مردم لباس کهنه می‌گیریم. غذا هم به اندازه کافی نداریم. یه چیزی درست می‌کنم تا بخوریم، اما مرغ و گوشت رو نمی‌تونیم بخریم. اکثر اوقات موقع غذا خودم می‌گم که سیرم و یه چیزی قبلش خوردم تا بچه‌ها غذاشون رو بخورن. آخه خودم مهم نیستم، ولی اون‌ها دخترن و توی سن رشد هستن. باید بدنشون جون داشته باشه.

شرایط زمینه‌ای

۱. کلیشه منفی

زنان سرپرست خانوار در جامعه از حرف‌ها و انگ‌زنی‌های اطرافیان نیز در امان نیستند. در چنین فضایی، با انواع رفتارهای منفی از جمله تهمت، شایعه و بدبینی نسبت به خود تا طردشدن از سوی نزدیکان مواجه می‌شوند. این رفتار از کلیشه منفی، که در ذهن مردم ما جای دارد، سرچشمه می‌گیرد؛ همان کلیشه‌ای که باور دارد اگر مردی بالای سر زن نباشد، زن بی‌گمان راه نادرستی می‌رود. این کلیشه از زمینه‌های شکل‌گیری حریم ناامن زندگی زنان سرپرست خانوار در جامعه است.

ستاره ۲۶ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

بعد اینکه مشکل روانی برای شوهرم پیش اومد و از کارافتاده شد، پیش مادرشوهرم زندگی می‌کردیم. دوست و شریک شوهرم گه‌گاهی می‌اومد بهش سر می‌زد. من اصلاً با اون مرد برخوردی نداشتم. بنده خدا زن داشت و بچه، خیلی هم مرد بامعرفتی بود که دوستش رو ول نکرد. اما مادرشوهرم بعد از یه مدت شروع کرد به تیکه انداختن که «این چرا میاد این‌جا؟» خلاصه تا اینکه علنی شروع کرد به من تهمت زدن و گفت: «لابد یه سر و سری با این مرد داری که این قدر می‌ره و می‌آد.»

زن بعد از جدایی یا از دست دادن همسر با انبوهی از بدبینی‌ها و نگاه منفی اطرافیان مواجه می‌شود. حتی خویشاوندان و بستگان نیز به دیده شک به آن‌ها می‌نگرند و از حمایت‌های اجتماعی محرومشان می‌کند.

شهربانو ۴۳ ساله و خیاط می‌گوید:

اینجا همه آشنا و فامیل هستن و همه از همه‌چیزت خبر دارن. پس همه می‌دونن

طلاق گرفتم و همشون آماده‌ان تا فکر بد در موردت بکنن. به خاطر همین نمی‌تونم جایی برم. نمی‌تونم آزاد زندگی کنم. همش باید حواسم به رفتارم باشه، چون ممکنه برام حرف دربیارن و ابروم رو ببرن. اینجا حتی خواهرم هم بهم رحم نمی‌کنه. یه حرکت کوچیک ببینه... به خاطر همین چیزها هیچ کاری نمی‌تونم بکنم، فقط مجبورم توی خونه بمونم و کارهای توی خونه رو انجام بدم.

۲. فقدان حمایت اجتماعی

از خلال صحبت‌های زنان سرپرست خانوار می‌توان به این مهم دست یافت که حمایت‌نکردن اجتماعی از زنان سرپرست خانوار از عوامل زمینه‌ای است که به شکل‌گیری حریم ناامن برای آن‌ها منجر می‌شود. در نتیجه، می‌توان به اهمیت ضرورت حمایت اجتماعی از این قشر پی برد، که خود را به شکل حمایت‌های مالی خانواده، پشت‌گرمی و حمایت روحی و روانی آن‌ها، کمک‌هزینه‌های سازمان‌ها و حمایت‌های فکری و مالی مردم در صحبت‌های زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد.

معصومه ۳۵ ساله و فروشنده می‌گوید:

با وجود تمام مشکلاتم، تنها پشت‌گرمی من مادرم بوده. اگه شوهرم معتاد از آب دراومد، اگه پسرم معلول شد و بعد از ۱۵ سال سپردمش به آسایشگاه و دوری‌ش رو تحمل می‌کنم، اگه از دخترم باید تنهایی مراقبت کنم و کلی بیماری جسمی و روحی سراغم اومده، اما همین یه مادر برام کافیه. گاهی اوقات فکر می‌کنم خدا اگه هیچی بهم نداده، همین یه مادر رو که داده کافیه. اگه این مادر رو نداشتم، قطعاً نمی‌تونستم دووم بیارم و زودتر از این‌ها کم می‌آوردم.

حمایت اجتماعی در زمینه‌های مالی، فکری و روانی اهمیت دارد. بسیاری از زنان سرپرست خانوار بدون کمک‌هزینه‌های دولتی، مانند یارانه یا کمک خیران، امکان ادامه زندگی ندارند یا زنانی که اگر بعد از جدایی یا فوت همسر از سوی خانواده‌هایشان حمایت نمی‌شدند، اکنون در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند.

خدیجه ۴۲ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

شوهرم مشکل اعصاب و روان داره و نمی‌تونه کار بکنه. من هم که باید پیش شوهرم و دخترم باشم تا ازشون مراقبت کنم. به خاطر همین نمی‌تونم کار بکنم. خرج زندگی‌مون از یارانه سه‌نفری‌مون که می‌شه ۱۲۰ تومن و پول بهزیستی، ۷۱ تومن می‌ده جور می‌شه. البته گاهی هم برای مخارج درمان شوهرم از خیرین کمک می‌گیریم، ولی در کل با یارانه و پول بهزیستی داریم زندگی می‌کنیم.

شرایط مداخله‌گر

طمع‌ورزی جنسی

با بررسی و مرور مفاهیم می‌توان به این نتیجه رسید که برخی مشکلاتی که زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی خود با آن‌ها روبه‌رو هستند و آن‌ها را در قالب آسیب، تجربه و تعریف می‌کنند، در طمع‌ورزی جنسی به آنان ریشه دارد. در گفت‌وگوها و شواهد، زنان سرپرست خانوار از پیشنهادهای غیراخلاقی، دوستی‌های بی‌قیدوبند و حتی دست‌درازی و تجاوز و اذیت و آزار جنسی مردان به خود یاد کردند. در واقع، در میان صحبت‌های زنان سرپرست خانوار، طمع‌ورزی جنسی مردان به آنان در شکل‌گیری حریم ناامن نقش پررنگی به خود می‌گیرد. سپیده ۴۵ ساله و پرستار سالمندان می‌گوید:

ازم خواست که باهم تنها باشیم تا باهام حرف بزنه. من هم موندم توی مغازه‌ش که کسی جز من و اون نبود. اون موقع خواست بهم نزدیک بشه و دست‌درازی بکنه، ولی من گفتم فکر می‌کنی من چه جور زنی هستم؟ و مقاومت کردم.

این گستاخی زمانی رخ می‌دهد که نیاز طبیعی جنسی آن‌ها در کنار تابوها و ویژگی‌های فرهنگی قرار می‌گیرد و با یک حساب سرانگشتی این زنان را بهترین مورد برای ارضای نیازهای جنسی خود می‌بینند، زیرا تصور می‌کنند زن سرپرست خانوار بدنی بی‌صاحب است که به راحتی می‌توان برای مدتی کوتاه صاحب آن شد. البته این آسیب‌ها برای سایر زنان نیز محتمل است، اما در مورد زنان سرپرست خانوار بیشتر رخ می‌دهد. مریم ۴۰ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

من از هر کس کمک خواستم بی‌برو برگرد درخواست بدی ازم کرده. یه خیریه رفته بودم مدیر خیریه بهم گفت: «شما چرا باید این طرف اون طرف بگردین برای کمک و این چیزها، من خودم کارتون رو راه می‌ندازم. حیف شما نیست. شما ماشالا جوون و زبایین اصلاً بهتون نمی‌آد دو تا بچه بزرگ داشته باشین. من خودم یه خونه دارم که خالی مونده. شما می‌تونین تشریف بیارین اونجا. من هم گاهی بهتون سر می‌زنم. اگه بخواین همین الان هم می‌تونیم بریم خونه رو ببینیم.»

راهبردهای کنش

۱. سازگاری نابهنجار

زنان سرپرست خانوار در مقابله با آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی کنش‌هایی از خود بروز می‌دهند که وجه اشتراک آن‌ها، نابهنجار بودن است. در میان صحبت‌های زنان سرپرست، این

موضوع آشکار شد که برخی از آنان در مقابل آسیب‌ها برخوردهای خشن از خود نشان می‌دهند که به خود آن‌ها نیز آسیب می‌رساند. برخی نیز از کنارشان می‌گذرند و منفعلانه برخورد می‌کنند یا بعضی به دیگران وابسته می‌شوند و بعضی نیز انزوا را به حضور در جامعه ترجیح می‌دهند. برخی زنان نیز پنهان کاری را ترجیح می‌دهند و برخی نیز این اوضاع نابهنجار را می‌پذیرند و سوار بر امواج می‌شوند تا از آن سودی ببرند.

مریم ۳۳ ساله و شاغل خانگی می‌گوید:

بعد از طلاقم، برگشتم خونه مامان این‌ها. یه اتاق داشتیم توی خونشون، ولی این خیلی بهتر از تنها زندگی کردن بود. تنهایی خیلی مشکلات داره و من نمی‌خواستم از مامان و بابا دور بشم. خرجمون رو هم بابا می‌داد. اما خونه‌شون یه کم شلوغ و پر رفت‌وآمد بود و برای درس خوندن پسرم سخت بود. برای همین رفتیم خونه بغلی بابا این‌ها رو اجاره کردیم. نزدیکشونیم که مشکلی هم برامون پیش نیاد.

ثریا ۴۰ ساله و آرایشگر می‌گوید:

الان حدود یه سال هست که طلاق گرفتیم. ولی فقط خواهر من می‌دونه و ترجیح دادیم به خاطر من و بچه‌ها به کسی نگیم. قرار شده تا جایی که می‌تونیم این قضیه رو از دیگران مخفی کنیم؛ در حدی که وقتی قراره مهمون بیاد خونمون یا اینکه یه دفعه مهمون به خونه شوهرم می‌ره، زنگ می‌زنن به من و اطلاع می‌دن، من هم خودم رو سریع می‌رسونم اونجا و تا وقتی مهمون‌ها هستن می‌مونم و بعدش می‌رم. خب به خاطر آینده بچه‌ها و شرایط من این‌طور بهتره. ولی نمی‌دونم تا کی می‌شه ادامهش داد.

۲. نگرش منع‌کننده

زنان سرپرست خانوار شاید بتوانند با ازدواج مجدد، شانس دوباره برای زندگی‌ای موفق و شاد را داشته باشند، اما در پاسخ به این سؤال که نگرش آن‌ها به ازدواج مجدد چیست؟ زنان سرپرست خانوار در کل نگرشی منفی به ازدواج مجدد داشتند و این امر در شرایطی بود که آن‌ها را از ازدواج دوباره منع می‌کرد. بسیاری از زنان به دلیل تجربه ناموفق قبلی خود به نوعی مردستیز شده‌اند و به دلیل ترس از تکرار شکست نگرش منفی به ازدواج مجدد دارند. برخی دیگر از زنان نیز علت تمایل نداشتن به ازدواج مجدد را وجود فرزندان بیان کردند. از نظر آن‌ها با وجود فرزندان نمی‌شود فردی جدید را وارد زندگی کرد. معمولاً یا فرزندان با این امر مخالفانند یا همسرشان حاضر به پذیرش فرزندان آن‌ها را نیست.

زهره ۲۹ ساله و منشی می‌گوید:

اولاش که پسر کم‌چولو بود یه خواستگار برام اومد خیلی هم خوب بود. ولی خیلی با حضور پسر من راحت نبود و ترجیح می‌داد که بچه رو بدیم مادرم بزرگ کنه یا

بدمش خانواده‌ی باباش. ولی من قبول نکردم. مدتی آشنا شدیم و خرید رفتیم و حتی تاریخ عقد رو مشخص کردیم. قبل عقد یه بار که خونه‌مون بود، بچه‌ی من داشت شیطونی می‌کرد و این طرف اون طرف می‌رفت. یه نگاه، فقط یه نگاه چپ به پسر من انداخت که من همون شب همه‌چیز رو به هم زدم. برای همین قید ازدواج رو زدم.

از میان صحبت زنان مشارکت‌کننده می‌توان دریافت که نگرشی منفی به ازدواج مجدد در میان زنان سرپرست خانوار وجود دارد. این نگرش منع‌کننده به ازدواج مجدد در ناخودآگاه این افراد رسوخ کرده است.

مهری ۵۶ ساله و تمیزکار منزل می‌گوید:

من دیگه از مردها متنفرم. حال من از شون به هم می‌خوره. دوباره نمی‌خوام. اصلاً به یه مرد نمی‌تونم فکر بکنم، چون اعصابم خرد می‌شه. اون‌ها فقط دردسر برات دارن. این جوروی خودمم و خودم. شاید تنها زندگی کردن و گذروندن زندگی با بچه‌ها سخت باشه، ولی لااقل از تحمل مردها راحت‌تره. حداقل این جوروی آرامش دارم.

پیامدها

۱. فرزندان آسیب‌دیده

در میان صحبت‌های زنان سرپرست خانوار مطالعه‌شده، آنچه واضح و مبرهن است وضعیت فرزندان آن‌هاست که همگی با نوعی آسیب درگیرند. فقدان حضور یکی از والدین در مسیر رشد فرزندان و فقر مالی و واکنش دیگران، بر فرزندان نیز تأثیر دارد. در نتیجه، آسیب‌های مختلفی از جمله بزهکاری، ترک تحصیل، سرگردانی، محروم‌شدن از فرصت‌ها و نارضایتی از شرایط را برای فرزندان به همراه داشته است.

آزاده ۳۷ ساله و مربی مهدکودک می‌گوید:

پسر من کم‌کم شروع کرد دیر اومدن خونه. اولش تا ۱۰ می‌اومد. بعد شد ۱۲. بعد هم ۲ به بعد اومد. باهانش بحث کردم و گفتم دیر نیا، اما سرم داد کشید و بهم توجهی نکرد. یه دفعه دیگه که نزدیک ۳ اومده بود خونه، بهش گفتم که چرا دیر می‌آد و باهم بحثمون شد. من هم زورم بهش نرسید. منو اون قدر لگد زد که تا چند روز بدنم درد می‌کرد. پسر من خیلی بد شده به خدا. من دیگه از پشش بر نمی‌آم. نمی‌تونم جلوش رو بگیرم. فقط می‌ترسم که بره سراغ مواد. شاید هم تا الان رفته باشه.

هرچند همه خانواده‌های تک‌سرپرست لزوماً فرزندان آسیب‌دیده ندارند، با بررسی افراد مورد مطالعه در این پژوهش می‌توان گفت بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار با فرزندان خود درگیر مشکلاتی بوده و فرزندان از شرایط نامطلوب زندگی آسیب می‌بینند.

اعظم ۴۲ ساله و خیاط می‌گوید:

ما ۴ سال پیش خونه رو ترک کردیم و از دماوند اومدیم اینجا، ولی یک سال می‌شه که طلاق گرفتیم. دخترم تو همون شرایط درس می‌خوند و ۳ سال پیش دیپلمش رو گرفت، اما دو سالی کنکور نداد و درسش رو ول کرد. بعد هم رفت سر کار، ولی اون هم رها کرد. نمی‌دونم می‌خواد چی کار کنه. خودش هم نمی‌دونه که هدفش چیه. بهش می‌گم درست رو ادامه بده برای آینده خوبه. می‌گه هنوز نمی‌تونم. براش آماده نیستم بهم فرصت بده. کلاً ترک تحصیل کرده. نمی‌دونم آیندش چی می‌شه. یه مدتی هست می‌گه می‌خوام برم آرایشگری یاد بگیرم، ولی خدا می‌دونه چی می‌شه.

۲. انزواجویی

زمانی که زنان سرپرست خانوار با آسیب‌های تعاملات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند، گاهی برای اینکه با مشکلات کمتری مواجه شوند، ترجیح می‌دهند حضور کمتری در جامعه داشته باشند. در نتیجه، یکی از رفتارهای پیشگیرانه زنان سرپرست خانوار در مقابل آسیب‌ها به شکل عدم حضور در جامعه خود را نشان می‌دهد که به انزواجویی منجر می‌شود. این عدم حضور در جامعه و تمایل به انزواجویی خود را به صورت پرهیز از رفت‌وآمد، ترس از رفت‌وآمد و کار در خانه نشان می‌دهد.

رویا ۲۸ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

من اصلاً از خونه بیرون نمی‌رم. توی این ۶ سال که خونه‌مون اینجا بود، اصلاً پا از در خونه بیرون نذاشتم، هیچ‌کس من رو ندیده بود و نمی‌شناخت. حتی سوپری سر کوچه هم من رو ندیده بود. ترجیح می‌دم بیرون نرم چون نمی‌خوام مشکلی برام پیش بیاد. وقتی بیرون بری و بیای، بعد می‌خوان در موردت بدونن و وقتی هم بدونن که شرایطت چطوره، دیگه شروع می‌کنن به اذیت و آزار و حرف درآوردن و خیلی چیزهای دیگه. پس ترجیح می‌دم اصلاً رفت‌وآمد نکنم.

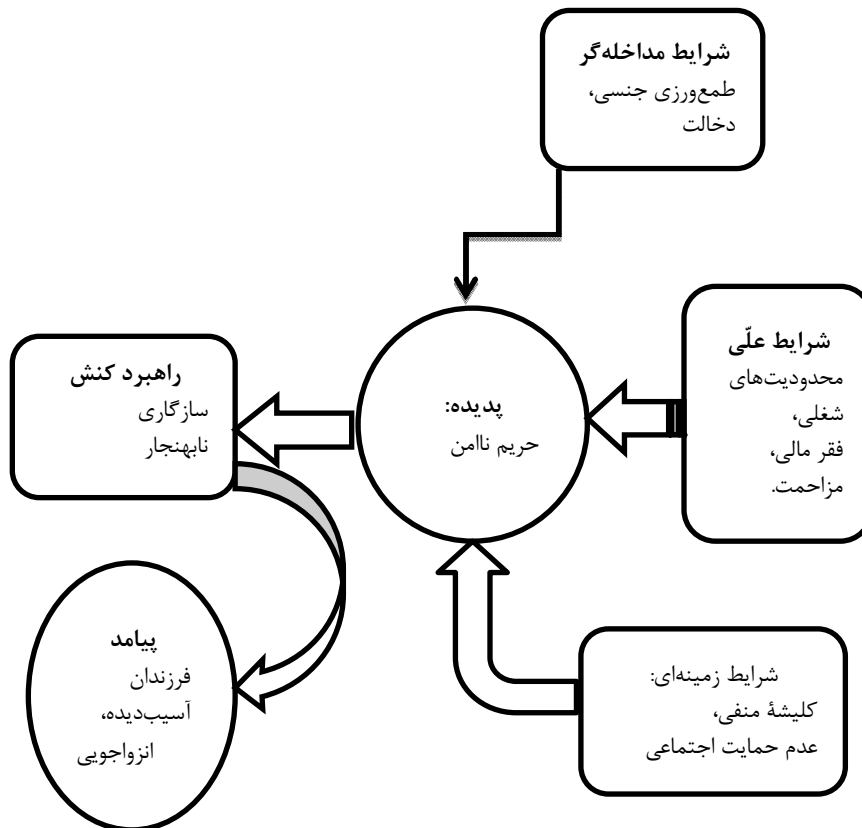
هنگامی که زنان سرپرست خانوار در جامعه احساس ناامنی می‌کنند و با انواع آسیب‌ها روبه‌رو می‌شوند، برای بسیاری از آن‌ها راهی جز پنهان‌شدن و انزواجویی نمی‌ماند. این وضعیت ممکن است آن‌ها را از موقعیت‌های شغلی و بهبود شرایط مالی دور کند.

سوسن ۳۴ ساله و شاغل خانگی می‌گوید:

من بعد از فوت همسرم ترجیح دادم کمتر توی جامعه باشم، ولی خب زندگی هم خرج داره و باید کار می‌کردم. اما نتونستم کار بیرون از خونه رو تحمل کنم و برای اینکه مشکلی برام پیش نیاد، تصمیم گرفتم توی خونه کار کنم و شروع کردیم با مامانم توی خونه مربا و ترشی و سوسیس خونگی درست کردن. الان هم بیرون کار نمی‌کنم که اذیت بشم با همین پول زندگی‌مون می‌چرخه.

حریم ناامن

با توجه به مصاحبه‌های عمیق و نگاه از زاویه زندگی زنان سرپرست خانوار - همان‌گونه که جامعه‌شناسی زندگی روزمره نیز می‌خواهد - «حریم ناامن» به منزله مقوله هسته در تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار شکل گرفت. زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی خود با انواع آسیب‌هایی روبه‌رو می‌شوند که به حس ناامنی در آن‌ها منجر می‌شود. در چارچوب نظریه طرد اجتماعی می‌توان گفت کلیشه منفی نسبت به زنان سرپرست خانوار به طرد آنان و از بین رفتن فرصت برای بهبود شرایط و ایجاد حریم ناامن برای آنان منجر می‌شود. همان‌طور که میلر و کب [۱۹] به ضرورت حمایت اجتماعی اشاره می‌کنند، که مانند سپری در مقابل رویدادها عمل می‌کند و بر کیفیت زندگی اثر مثبت دارد، عدم حمایت اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار نیز زمینه‌ساز حریم ناامن می‌شود. اما شرایط علی که به شکل‌گیری این پدیده منجر شده‌اند، در تأیید نظریه زنانه‌شدن فقر [۱۲] است، از جمله محدودیت‌های شغلی و فقر مالی زنان سرپرست خانوار که عدم اطمینان به آینده و در نتیجه حس ناامنی را به همراه دارد و همچنین مزاحمت‌های جنسی برای زنان سرپرست خانوار است که به ایجاد حریم ناامن برای زندگی این زنان در جامعه منجر می‌شود. زنان سرپرست خانوار در برخورد با این پدیده راهبردهایی پیش می‌گیرند. طرفداران کنش می‌گویند زنان سرپرست خانوار مشکلات زیادی دارند و این بدان معنا نیست که فقط تأثیر می‌پذیرند؛ در نتیجه، باید تجربه‌های شخصی این زنان را در راه مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی‌شان از نزدیک شناخت که به شکل سازگاری ناپه‌نچار خود را نشان می‌دهد. از پیامدهای این پدیده می‌توان به فرزندان آسیب‌دیده و انزواجوی آنان اشاره کرد. همان‌طور که ملاحظه شد، در همه گزاره‌ها و شواهد آسیب اصلی که در جامعه در انتظار زنان سرپرست خانوار است، خود را به شکل احساس عدم امنیت و حریم ناامن نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل پارادایمی آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار شاهین‌شهر

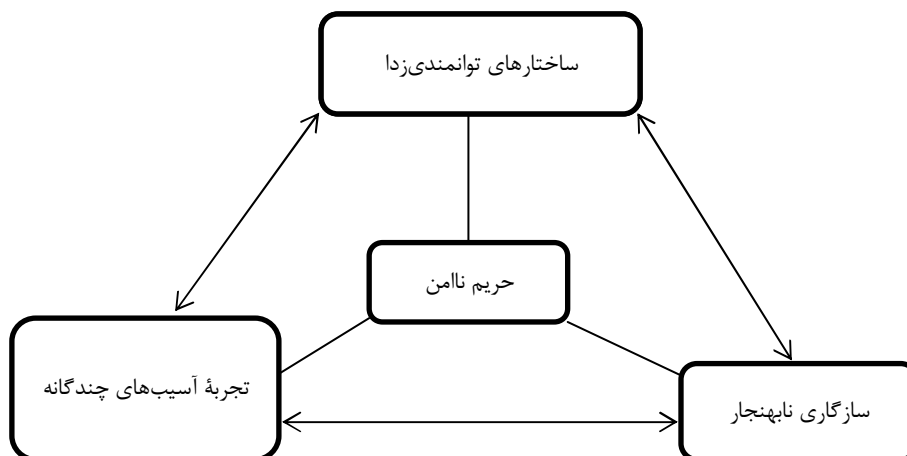
بحث و نتیجه‌گیری

امروزه تعداد خانوارهای تک‌والد در اغلب جوامع، از جمله ایران، افزایش یافته است. در این میان، رشد خانوارهای زن‌سرپرست و در واقع زنان سرپرست خانوار بی‌سابقه و چشمگیر است. مشکلات زندگی مشترک از جمله اعتیاد همسر، که این روزها سهم بسزایی در آمار طلاق دارد، و بسیاری دلایل دیگر به جدایی و برعهده گرفتن سرپرستی خانوار از سوی زنان منجر شده است. همچنین فوت همسر یا از کارافتادگی او یا متواری شدن، همگی، از دلایلی است که سرپرستی خانوار را برعهده زن می‌گذارند و توازن موجود در خانواده به هم می‌خورد. پیرو نظریه کنش، که زنان سرپرست خانوار را در مقابل مشکلات صرفاً منفعل نمی‌داند، صرف‌نظر از توانایی‌های بسیار زیاد برخی از زنان در اداره زندگی به تنهایی و بدون حضور مردان خود، برعهده گرفتن سرپرستی

خانوار از سوی زنان مشکلات و موانع بسیاری پیش روی آن‌ها می‌گذارد. درست از زمانی که زنان سرپرستی را برعهده می‌گیرند و مرد حضور ندارد، تقارن شکل طبیعی خانواده بر هم می‌خورد. حسینی و همکاران [۶] نیز در پژوهش خود این موضوع را تأیید می‌کنند که انتقال ناگهانی سرپرستی از شوهر به زن باعث به وجود آمدن رشته‌ای از ناامنی‌ها می‌شود. زنان با فقدان زمان کافی برای اداره امور خانه و تربیت فرزندان و مشکلات تأمین مالی خانواده روبه‌رو می‌شوند که در نظریه زنانه‌شدن فقر [۱۲] از آن با عنوان فقر زمانی یاد می‌شود و همان‌گونه که نتایج پژوهش پیش رو نیز تأیید می‌کند، به فقر مالی زنان سرپرست خانوار و جذب آنان در مشاغل با منزلت اجتماعی پایین و کم‌درآمد منجر می‌شود. زنان سرپرست خانوار برای تأمین زندگی خود ناگزیر به حضور فعال در جامعه‌اند و باید پایه‌پای دیگر افراد جامعه فعالیت داشته باشند. از همین جاست که برای آنان در جامعه و تعاملات اجتماعی آسیب‌ها و مشکلاتی به وجود می‌آید. کلیشه منفی نسبت به زنان سرپرست خانوار عرصه را برای زندگی آرام آنان تنگ می‌کند. نتایج پژوهش‌های خسروی [۷] و معیدفر و حمیدی [۱۵] در تأیید این یافته‌هاست که زنان سرپرست خانوار احساس می‌کنند با نگرش منفی مردان و زنان جامعه روبه‌رو هستند. از این رو، گاهی در دایره محدود رابطه با اعضای خانواده خود محبوس می‌شوند. محدودیت روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی محدود و گاه ناکارآمد و طردشدگی از سوی شبکه اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را در برابر آسیب‌های اجتماعی ضربه‌پذیر می‌کند [۹؛ ۱۵].

ضرورت حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار با نظریات میلر و کب [۱۹] در خصوص اثر مثبت حمایت اجتماعی در کیفیت زندگی انطباق دارد. همچنین، نتایج به دست آمده همسو با نظریه طرد اجتماعی است که با ادامه کلیشه منفی در مورد زنان سرپرست خانوار، آنان از سوی اجتماع طرد و از روابط و شبکه‌های اجتماعی محروم می‌شوند و سرمایه اجتماعی آن‌ها پایین می‌آید در نتیجه آسیب بیشتری می‌بینند، از بازار کار طرد می‌شوند، فقر مالی و مشکلات آن‌ها بازتولید می‌شود و امکان بهبود شرایط برایشان سخت‌تر می‌شود. زنان سرپرست خانوار با همه شرایطی که گفته شد، مجبورند در اجتماع حضور داشته باشند و باید خود را با این شرایط سازگار کنند که البته در بسیاری از این موارد واکنش‌های آنان به این آسیب‌ها نادرست و ناپه‌نچار است که در نهایت می‌تواند روی فرزندان آن‌ها تأثیر گذارد یا به‌طور کلی به انزوای اجتماعی این زنان منجر شود. یافته‌های پژوهش در ارتباط با فرزندان آسیب‌دیده زنان سرپرست خانوار با نظریه ساختی/ کارکردی در این خصوص انطباق دارد که خانواده‌های تک‌والدی را اساساً یک انحراف می‌داند و همان‌گونه که در نتایج اشاره شد، به تربیت نادرست فرزندان و بزهکاری منجر می‌شود و فرصت‌های زندگی کودکان را کاهش می‌دهد. با توجه به بررسی‌ها، مطالعات پیشین و ماه‌ها گوش سپردن به تجربیات زنان سرپرست خانوار، می‌توان گفت مهم‌ترین پیامد آسیب‌های تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار به وجود آمدن پدیده حریم ناامن برای آنان است.

براساس راهبرد تحقیق، با انتزاعی تر کردن مقولات و پدیده اصلی پژوهش، مدل نظری ذیل با عنوان «مرزهای ناامن ساز» قابل طرح است:



شکل ۲. مدل نظری مرزهای ناامن ساز

براساس این طرح نظری، زنان سرپرست خانوار از زمانی که سرپرستی را برعهده می‌گیرند با آسیب‌ها و تجربه‌هایی روبه‌رو هستند که بیان‌گر تضعیف حریم زندگی آنهاست. در همین زمان، جامعه دست‌به‌کار می‌شود و به بهانه مراقبت از آنان شروع به ایجاد مرزهای عینی و ذهنی می‌کند. اما مرزهایی که جامعه می‌سازد، لزوماً امنیت نمی‌آورد، بلکه دست زنان را از منابع باارزش اجتماعی کوتاه می‌کند. با توجه به تجربه زنان مشارکت‌کننده در این مطالعه، این مرزهای به‌ظاهر امنیت‌ساز بیشتر سراب مراقبت را تداعی می‌کنند. این ساختارها انواع مختلف دارند و بعضی عینی و بعضی ذهنی‌اند. ساختارهای عینی توانمندزدا در جامعه مانند انواع نهادهای حمایتی از زنان سرپرست خانوار است که به‌ظاهر قصد مراقبت از زنان سرپرست خانوار را دارند. این ساختارهای عینی زنان سرپرست خانوار را به‌عنوان آسیب، بیشتر از قبل پررنگ می‌کنند و خود موجب انواع آسیب‌ها و ناامنی‌ها و وابستگی و ناتوانی‌ها می‌شوند. این ساختارها شامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سازمانی هستند. بعضی از ساختارهای توانمندزدا نیز ذهنی‌اند؛ مانند کلیشه‌های منفی نسبت به زنان سرپرست خانوار. هر ساختاری که باعث شود چرخه طرد اجتماعی شکل بگیرد، توانمندزداست و هر عاملی که باعث شود مردم بیایند در اجتماع و فعالیت کنند، توانمندساز است. در نتیجه، کلیشه منفی به‌منزله ساختار ذهنی توانمندزدا زنان سرپرست خانوار را از زندگی اجتماعی عادی دور می‌کند. زنان سرپرست خانوار نیز توسط ساختارهای توانمندزدا از جامعه طرد می‌شوند و به جای امنیت، حریم ناامن نصیب آنها می‌شود و در نتیجه با تجربه آسیب‌های چندگانه روبه‌رو می‌شوند. زنان سرپرست

خانوار با حریم ناامن روبه‌رو می‌شوند و با سراب مراقبت ساختارهای توانمندزدا دوباره آسیب‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. این آسیب‌ها علاوه بر زنان سرپرست خانوار، شامل فرزندان آن‌ها نیز می‌شود.

منابع

- [۱] استراوس، انسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۲] بلیک‌مور، کن (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی‌جقه، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- [۳] تاتینا بلداجی، ام‌لیلا؛ فروزان، آمنه؛ رفیعی، حسن (۱۳۸۹). «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۰، ص ۲۸-۹.
- [۴] توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت، چ ۱۶.
- [۵] حبیبی، مجتبی؛ قنبری، نیکزاد؛ خدایی، ابراهیم؛ قنبری، پرستو (۱۳۹۲). «اثربخشی مدیریت استرس به روش شناختی- رفتاری بر کاهش اضطراب، استرس و افسردگی زنان سرپرست خانوار»، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۱۶۶-۱۷۵.
- [۶] حسینی، سیداحمد؛ فروزان، ستاره؛ امیرفریار، معصومه (۱۳۸۸). «بررسی سلامت روان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران»، فصل‌نامه پژوهش اجتماعی، س ۲، ش ۳، ص ۱۱۷-۱۳۷.
- [۷] خسروی، زهره (۱۳۸۰). «بررسی آسیب‌های روانی- اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۱، ش ۳۹، ص ۷۱-۹۴.
- [۸] دغاقله، عقیل؛ کلهر، سمیرا (۱۳۸۹). *آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۹] سهرابی، عزت (۱۳۸۴). «بررسی عوامل آسیب‌زا در ارتباطات اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، علوم و تحقیقات دانشگاه تهران.
- [۱۰] شادی‌طلب، ژاله؛ گرایبی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). «فقر زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، دوره دوم، ش اول، ص ۴۹-۷۰.
- [۱۱] شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). «ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران/ فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷، ص ۲۲۷-۲۴۸.
- [۱۲] شهریاری، عزت؛ سعادت‌مند، زهره؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ محققیان، شهناز (۱۳۹۲).

- «بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش»، فصل‌نامه زن و جامعه، س ۴، ش ۳، ص ۲۹-۴۵.
- [۱۳] صادقی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). «زنان سرپرست خانوار و آسیب‌های اجتماعی و فردی پیش روی آنها»، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران: ص ۲۲۵-۲۵۱.
- [۱۴] فروزان، ستاره؛ بیگلریان، اکبر (۱۳۸۲). «زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره اول، ش ۵: ص ۳۵-۵۸.
- [۱۵] معیدفر، سعید؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). «زنان سرپرست خانوار: نکته‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۳۲، ص ۱۳۱-۱۵۹.
- [۱۶] میرفردی، اصغر؛ عطایی، الهه (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست در جامعه ایرانی»، مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- [۱۷] نازکتبار، حسین؛ ویسی، رضا (۱۳۸۷). «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۷، ص ۹۵-۱۱۳.
- [۱۸] نجارنهندی، مریم؛ آجرلو، سمیه (۱۳۸۸). «مطالعه وضعیت زنان سرپرست خانوار با تأکید بر زنان دست‌فروش مترو»، مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- [19] Cobb, S. (1976). Social Support AS a Moderator of Life Stress. *Psychosomatic Medicine*, 38, PP 300-314.
- [20] Coyne, G. (2003). An Investigation of Coping Skills and Quality of Life Among Single Sole Supporting Mothers. *International Journal of Anthropology*, 18(3), PP 127-138.
- [21] Hernandez, R. , Landero, Aranda, B. & Estrada, Ramirez, MT., Gonzalez. (2009). Depression and Quality of Life for Women in Single-Parent and Nuclear Families. *The Spanish Journal of Psychology*, 12(1): PP 83-171.
- [22] Hwedie, Osi, & Bertha, Z. (1998). Female Headed Households in Southern Africa: Issues, Problems and Prospects. *Research Review*, 14(2): PP 69-73.
- [23] Merrick, T., Thomas, W., & Schmink. (1983). Households Headed by Woman and Urban Poverty in Brazil. In *Women and Poverty in the Thierd World* eds. Mayra Buvinic, Margaret Lycette and W.McGreevey. Baltimor: Jons Hopkins University Press. PP 244-271.